

علل اقتصادی سقوط شوروی؛ درس‌هایی از تسلط دولت بر اقتصاد

□□ دکتر علی رشیدی

بخش نخست

مقدمه:

انقلاب بلشویکی نوامبر ۱۹۱۷ در روسیه که به ایجاد کشور اتحاد جماهیر شوروی منجر گردید، با ارائه راه و رسم زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تازه‌ای به مردم دنیا، توجه همگان مخصوصاً محققان را از همان زمان به خود جلب کرد. رهبران شوروی با تغییر بنیادی ساختار فعالیت‌های اقتصادی و معرفی هدفها، سیاستها، مکانیزمهای کنترل و شکل‌های سازمانی تازه، یک نظام اقتصادی کاملاً متفاوت عرضه کردند که بعداً با تغییراتی در اروپای شرقی (پس از ۱۹۴۵)، چین (۱۹۴۹) و یک دهه بعد (۱۹۵۹) در کوبا مورد تقلید قرار گرفت. نظام اقتصادی شوروی جزیره‌ای بزرگ تحت سیستم برنامه‌ریزی کامل و «سوسیالیزم» در جهان ایجاد کرد که به علت موفقیت خیره‌کننده‌اش در رشد تولیدات صنعتی (جدول ۱)، در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم به عنوان جانشین نظام سرمایه‌داری مورد توجه و تقلید تعدادی از کشورهای در حال توسعه قرار گرفت.

از نظر رشد تولید ناخالص ملی نیز موفقیت‌های شوروی تا اواخر دهه ۱۹۵۰ بسیار قابل ملاحظه و حتی حیرت‌انگیز بود. برای مثال، روسیه که در سال ۱۹۱۳ به گفته مقامات دولت شوروی فقط ۶/۹ درصد تولیدات ایالات متحده را داشت (جامعه ملل سابق این درصد را ۱۲/۳ دانسته است)^۱ در سال ۱۹۲۸ این رقم را به ۱۰/۵ درصد، در سال ۱۹۳۷ به

۳۲/۷ درصد، و در سال ۱۹۵۵ به ۴۷/۶ درصد رساند.

پیشرفت‌های اقتصادی روسیه تا زمان روی کار آمدن خروشچف (۱۹۵۶) ظاهراً تا آن اندازه غرورآفرین بود که به او جرات داد در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک خطاب به آمریکائیان بگوید «ما شما را دفن خواهیم کرد»؛ که البته منظورش پیشی گرفتن اقتصاد شوروی از آمریکا از نظر تولید کالاها و خدمات تا سال ۱۹۸۳ بود. خروشچف در سال ۱۹۶۱ ادعا کرد که ظرف ۱۰ سال درآمد ملی شوروی ۲/۵ برابر و ظرف بیست سال ۴ برابر و درآمد سرانه واقعی مردم شوروی ظرف بیست سال ۲/۵ برابر خواهد شد و در عرض بیست سال همه خانواده‌ها خانه‌های بهداشتی و راحت خواهند داشت و اجاره‌ای هم نمی‌پردازند.^۲

ابداع نظام اقتصادی مبتنی بر برنامه‌ریزی متمرکز، اقتصاد روسیه را از جنبه‌های مختلف از جمله از نظر انجام محاسبات ملی از بقیه جهان جدا ساخت. پایه اطلاعات مربوط به میزان تولید و رشد، ارقام رسمی دولت شوروی بود که تا حدی مبالغه‌آمیز می‌نمود. یکی از راه‌های غیرواقعی کردن ارقام، نحوه قیمت‌گذاری محصولات صنعتی در آن کشور بود. به کار بردن قیمت کالاهای صنعتی در سال ۱۹۲۶/۷ بعنوان قیمت‌های پایه در زمانی که اقتصاد شوروی یک اقتصاد بیشتر کشاورزی و کالاهای صنعتی آن کمیاب و گران بود،

سبب می‌شد که تولیدات صنعتی سال‌های بعد در قیمت‌های بالای سال‌های پایه ضرب شود و در نتیجه افزایش تولید و رشد اقتصادی اعلام شده واقعی نباشد. رفته رفته که کالاهای صنعتی جدید تولید می‌گردید نیز قیمت کالا در نخستین سال تولید برای سال‌های بعد قیمت پایه قرار می‌گرفت که باز رشد اقتصادی سال‌های بعد را به گونه غیرواقعی بالا نشان می‌داد. در سال ۱۹۳۶ فهرست سراسری قیمت‌ها، جایگزین فهرست قیمت‌های سال‌های ۱۹۲۶/۷ شد ولی بهای محصولات جدید با ضریب‌هایی هنوز به قیمت‌های سال‌های ۱۹۲۶/۷ مربوط می‌گردید؛ نتیجه این تغییر، مبالغه بیشتر در ارزش تولیدات صنعتی و درآمد ملی (۳۰ درصد در سال ۱۹۳۶) برپایه قیمت‌های ۱۹۲۶/۷ بود.

این ملاحظات روشن می‌سازد که برای داشتن نرخ رشد واقعی کل اقتصاد شوروی، تعدیل ارقام رسمی دولت شوروی ضروری بوده است. ارقام ستون چهارم جدول ۲ که برپایه مطالعات برجسته‌ترین اقتصاددانان در سطح جهانی و نیز بررسی‌های سازمان ملل متحد تدوین شده است، تصویر واقعی‌تری از رشد اقتصادی شوروی را می‌نمایاند؛ یعنی به جای اینکه درآمد ملی شوروی در دوره ۱۹۵۰-۱۹۲۸ بیش از هشت برابر شده باشد (ستون دوم جدول ۲) در این سالها اقتصاد شوروی سالانه حدود دو درصد رشد داشته است. این نرخ رشد در دوره ۱۹۷۵-۱۹۵۰

شوروی در دوره حیات آن و بازشناخت کمبودها، نقائص و عللی است که تقریباً پس از هفتاد سال بالاخره به سقوط و فروپاشی آن انجامید.

از نظر اقتصادی، آنچه در روسیه استقرار یافت يك نظام اقتصادی متمرکز دولتی با ایدئولوژی مارکسیستی بود.

خصائص اصلی سوسیالیزم شوروی که با نخستین برنامه پنجساله در ۱۹۲۸ ظاهر گشت عبارت بود از: ۱- جایگزین کردن ترجیح و تمایل مصرف کننده با ترجیح و تصمیم برنامه ریزان (به این معنی که حزب کمونیست ترجیحات مورد نظر را به برنامه ریزان دیکته می کرد)؛ ۲- کنترل سرمایه و زمین توسط دولت؛ ۳- اشتراکی کردن کشاورزی؛ ۴- حذف تقریباً کامل تجارت خصوصی؛ ۵- نظارت بر اجرای برنامه توسط بانکهای دولتی؛ ۶- انحصار تجارت خارجی توسط دولت؛ ۷- تعقیب هدف خودکفائی اقتصادی و حفظ عمدی نسبت پائین تجارت خارجی به تولید ناخالص ملی.^۴

هدف نهائی سوسیالیزم شوروی، استقرار کامل حکومت کارگران و کمونیزم بر اساس مارکسیسم بود که مطابق آن مالکیت دولت بر عوامل تولید و زمین با تجمع سرمایه در دست دولت و سرمایه گذاری در صنایع سنگین، کلید توسعه صنعتی جامعه در جهت رسیدن به مدینه موعود است.

برنامه ریزی اقتصادی در شوروی در مقیاس کوچک در سالها ۲۱-۱۹۱۸ یعنی در سالهای جنگ داخلی شروع شد ولی مؤسسات تولیدی دستورالعملهای برنامه را نادیده می گرفتند. گاسپلان (Gosplan) یا کمیته برنامه ریزی اتحاد جماهیر شوروی که با وزارتخانه ها و جمهوریها و مؤسسات تولیدی برای تهیه برنامه ها مشورت می کرد، تا سالهای ۱۹۲۵ و ۱۹۲۶ پرسنل و قدرت کافی برای تهیه جزئیات داده ها - ستاده های برنامه نداشت. در هر حال اولین برنامه پنجساله بالاخره در سال ۱۹۲۷ تنظیم گردید. استراتژی توسعه صنعتی شوروی در برنامه

تولید، الزامات صرفه جویی).

با آغاز جنگ سرد (۱۹۴۵) و تشدید آن از ۱۹۴۸، دنیای غرب بویژه ایالات متحده بطور جدی درصدد شناخت نظام اقتصادی شوروی و بلوک شرق برآمد و با برپا کردن مراکز متعدد تحقیقات درباره روسیه، اتحاد جماهیر شوروی، بلوک شرق، چین، کوبا و اروپای شرقی و تأسیس مراکز مطالعات استراتژیک و تربیت عده بسیار زیادی کارشناس در امور این کشورها و مناطق، هرگونه اطلاع اقتصادی، فنی، تکنولوژیک، اجتماعی و سیاسی را با دقت گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار می داد؛ برپایه این یافته ها، سیاستها، استراتژیها و تاکتیکهای خود را در برابر این پدیده نامتجانس و متخاصم تنظیم می کرد.

غرب، غیر از آمار و اطلاعات رسمی از منابع دولتها، برای کسب اطلاعات درباره شوروی و بلوک شرق، پیوسته از سه منبع عمده دیگر نیز بهره می جست: (۱) جاسوسی با استفاده از همه امکانات فنی و پرسنلی؛ (۲) مهاجران و فراریان از شوروی و بلوک شرق؛ (۳) مبادله استاد، دانشجو، کارشناس، توریست، و سفرهای مقامات رسمی.

در مدت ۴۰ سال از قسمتهای طبقه بندی نشده و غیرحساس این بررسیها، سالانه صدها کتاب و هزاران نشریه منتشر شده است و این بررسیها کم و بیش از اوائل دهه ۱۹۶۰ در درسهای مربوط به نظامهای اقتصادی، اقتصاد روسیه، برنامه ریزی اقتصادی، اقتصاد بلوک شرق، اقتصاد چین و غیره در دانشگاهها و مؤسسات تحقیقاتی مورد استناد و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

این بررسیها و کارهای کارشناسی از همان زمان، غیرقابل دوام بودن نظام اقتصادی شوروی را به دلایل صرفاً اقتصادی در شرایط سیاسی حاکم بر جهان روشن می ساخت و نقائص و تنگناهای آن را با اعداد و ارقام و ضرائب و فرمولهای اقتصادسنجی عرضه می داشت.

هدف این نوشته مروری بر سیاستها و برنامه های اجراء شده در اتحاد جماهیر

اندکی سریعتر بود و به ۲/۷ درصد افزایش یافت.

پیشرفتهای اقتصادی شوروی گرچه در دهه ۱۹۸۰ روبه کندی گذاشت و بالاخره در سال ۱۹۸۹ کل نظام اقتصادی و سیاسی آن سقوط شدید خود را آغاز کرد، ولی آمارهای رسمی و تبلیغاتی مربوط به سال ۱۹۸۶ نشان می داد که میزان درآمد سرانه ۲۸۱/۱ میلیون نفر مردم شوروی برابر ۷۴۷۰ دلار بوده و از این نظر در سطح جهان در ردیف بیست و یکم قرار داشته است. در همین سال میزان باسوادی در آن کشور ۹۹ درصد، امید به زندگی ۷۰ سال، و از نظر شاخص کیفیت زندگی در سطح ۹۱ (فرانسه و استرالیا برابر ۱۰۰، سوئیس ۹۹، ایالات متحده ۹۸ و ایران ۵۹) قرار داشته، یا به بیان دیگر در مقیاس جهانی در ردیف سی ام بوده است (مانند سنگاپور، اروگوئه، شیلی).^۳

هرچند از زمان آغاز فروپاشی شوروی (۱۹۸۹) برای بسیاری از مردم حتی افراد تحصیل کرده و دانشگاهی، سقوط اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (سرزمین شوراها) با آن همه قدرت و عظمت و داشتن زرادخانه اتمی و فرستادن اولین قمر مصنوعی به دور کره زمین، بسیار شگفت انگیز بود، ولی از نظر استادان علم اقتصاد، استادان مدیریت صنعتی، استادان اقتصاد توسعه و استادان تاریخ تحولات اقتصادی، این سقوط اجتناب ناپذیر و از اواسط دهه ۱۹۶۰ قابل پیش بینی و حتی قابل تسریع بوده است.

باتوجه به طبیعت بشر، يك نظام اقتصادی باید در طول زمان برای مردم جویهای اقتصادی قابل قبول (رفع نیازهای مادی فزاینده و ارتقاء سطح رفاه تطبیقی) داشته باشد. ضمناً علم اقتصاد اصول و قوانین خاص خود را دارد که در همه جای دنیا صرف نظر از نوع نظام اقتصادی، تقریباً یکسان عمل می کند (کمیابی عوامل تولید، قانون بازده نزولی، عرضه، تقاضا، هزینه، قیمت، نامحدود بودن نیازهای بشر، هزینه فرصتی، اصول جانشینی، خصائص فنی

پنجساله اول بر پایه اشتراکی کردن مزارع، خرید محصولات کشاورزی به قیمت ارزان و فروش آن به قیمت بازار، ایجاد پس انداز اجباری و انتقال سرمایه‌ها به صنعت قرار داشت. استالین مزارع اشتراکی (kolkhoz) را در سال ۱۹۲۹ به وجود آورد و تا سال ۱۹۸۵ این مزارع همراه با مزارع دولتی (state farms) تسلط دولت بر بخش کشاورزی را تضمین می‌کرد. ایجاد و اداره مزارع دولتی از اوایل دهه ۱۹۵۰ تا اواسط دهه ۱۹۸۰ ادامه داشت. یکی از اهداف سیاسی اشتراکی کردن مزارع در سالهای ۱۹۲۹ به بعد، از بین بردن طبقه کولاک (kulaks) یا خرده مالکان ثروتمند شده در سالهای ۲۸-۱۹۲۱ و تجار پیدا شده در دوره سیاست اقتصادی جدید (NEP) ۲۴-۱۹۲۱ و پس از آن بود که از کنترل حزب کمونیست شوروی خارج شده بودند. اشتراکی کردن مزارع و دولتی کردن تجارت خارجی و داخلی (۱۹۲۸) هر دو گروه را از گردونه خارج می‌کرد.

اما اهداف اقتصادی در اشتراکی کردن مزارع نقش مهمتری داشت. به نظر استالین و همفکران او، برای صنعتی کردن روسیه چاره‌ای جز ورود ماشین‌آلات از خارج (آلمان) نبود و بهای این ماشین‌آلات می‌بایست با صدور محصولات کشاورزی شوروی پرداخت شود. بنابراین ضروری بود که دولت شوروی محصولات کشاورزی بیشتری در اختیار داشته باشد. البته دولت شوروی می‌توانست با بالا بردن قیمت، محصولات کشاورزی بیشتری به دست آورد و با این کار زارعین را به تولید بیشتر تشویق کند (نظر بوخارین و تروتسکی) ولی به نظر استالین پرداخت قیمت‌های بالاتر به کشاورزان قدرت آنان برای خرید کالاهای مصرفی را افزایش می‌داد و در نتیجه ضرورت ایجاد صنایع مصرفی را پیش می‌آورد که يك اقدام ضد مارکسیستی بود. با اشتراکی کردن مزارع و اجبار کشاورزان به کار در مزارع و تصاحب محصولات کشاورزی به قیمت‌های پائین، دولت می‌توانست ارز لازم برای خرید

کالاهای سرمایه‌ای مورد نیاز برنامه اول (۱۹۳۲-۱۹۲۸) را به دست آورد، بدون اینکه سرمایه‌گذاری در صنایع سنگین کاهش یابد. G.A. Fel'dman، تئورسین اقتصادی شوروی، در سال ۱۹۲۸ الگوی رشد نامتوازن را برای «کمیت برنامه‌ریزی شوروی» ابداع کرد. هدف نهائی آن سرمایه‌گذاری زیاد و سریع در بخش ماشین‌سازی به منظور تولید ماشین‌آلات بود. در این الگو، رشد اقتصادی درازمدت تابعی از سرمایه‌گذاری در (ماشین‌آلات) صنایع کالاهای سرمایه‌ای (ذوب آهن، صنایع مهندسی و صنایع سنگین) بود. این الگو نه تنها به معنی صرفه‌جویی در مصرف در زمان حال و به نفع سرمایه‌گذاری بود، بلکه آن بخش از سرمایه‌گذاری که در صنایع مصرفی صورت می‌گرفت نیز می‌بایست کوچکتر شود، تا سهم سرمایه‌گذاری در صنایع سنگین افزایش یابد. این‌طور استدلال می‌شد که اگر سهم سرمایه‌گذاری در صنایع سنگین بالا باشد، درست است که رشد ظرفیت صنایع مصرفی را در کوتاه مدت فدا می‌کند ولی در درازمدت نرخ رشد بالائی برای ظرفیت کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی به وجود می‌آورد. برعکس، اگر سهم سرمایه‌گذاری در صنایع سنگین پائین باشد (سهم سرمایه‌گذاری در صنایع مصرفی بالا باشد) سبب بروز افزایش مصرف در کوتاه مدت و نرخ رشد پائین مصرف در درازمدت می‌گردد.

بر مبنای همین الگو در سالهای ۱۹۳۷-۱۹۲۸، سهم تولیدات صنایع سنگین در خالص تولید صنعتی شوروی از ۳۱ درصد به ۶۳ درصد افزایش یافت و در مقابل، سهم تولیدات صنایع سبک و مصرفی از ۶۸ درصد به ۳۶ درصد سقوط کرد. در همین مدت، سرمایه‌گذاری غیرخالص، سالانه ۱۴ درصد رشد کرد و نسبت سرمایه‌گذاری غیرخالص به تولید ناخالص ملی دو برابر شد و از ۱۳ درصد به ۲۶ درصد رسید. مصرف سرانه خانوارها تقریباً ثابت نگهداشته شد (فقط ۰/۸ درصد رشد) در حالی که سهم کل مصرف در تولید ناخالص ملی (به قیمت‌های

سال ۱۹۳۷) از ۸۰ درصد به ۵۳ درصد سقوط کرد. از سال ۱۹۲۸ تا سال ۱۹۸۹ (و سقوط شوروی) سیاست سرمایه‌گذاری نامتوازن شوروی نه تنها به بزرگترین موفقیت اقتصادی آن یعنی رشد اقتصادی سریع و صنعتی شدن آن کمک کرد، بلکه عامل شکست اصلی آن یعنی سطح مصرف بسیار پائین مردم، در مقایسه با مردم کشورهای اروپای غربی بود.

با وجود این کاستی‌ها در برنامه‌های پنجساله شوروی از نظر تأمین رفاه مردم و مخصوصاً فشار اشتراکی کردن مزارع بر کشاورزان، بعضی از تئورسین‌ها مانند پال آ. باران (Paul A. Baran) مارکسیست آمریکایی استدلال کرده‌اند که با توجه به غیرمنطقی و بیسواد بودن دهقانان روسیه، اشتراکی کردن کشاورزی در اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۱۹۳۰ تنها راه رسیدن به رشد اقتصادی بوده است.^۵

غیر از اشتراکی کردن مزارع و تحویل اجباری محصولات کشاورزی به قیمت‌های پایین، اقدام دیگر دولت شوروی برای پایین نگهداشتن سطح مصرف محصولات کشاورزی، استفاده از مالیات بر فروش (sales tax) از اوایل دهه ۱۹۳۰ بود. دولت ضمن انحصاری کردن خرید و فروش محصولات کشاورزی، با استفاده از مالیات بر فروش (مصرف) کوشید پس انداز اجباری بیشتری در بخش کشاورزی به وجود آورد. شکاف عمیق بین قیمت خرید محصولات کشاورزی از کشاورزان (کلخوزها) و قیمت فروش آن به مصرف‌کنندگان (شامل مالیات بر فروش) نه تنها انگیزه تولید و صرفه‌جویی را تحت تأثیر قرار می‌داد، بلکه قاچاق محصولات کشاورزی و فروش در بازار سیاه به صورت راه عمده‌ای برای تأمین درآمد برای همه کشاورزان درآمده بود.

دولت شوروی با اجرای برنامه اول توانست پس اندازها را از کشاورزی به صنعت (خصوصاً صنایع ذوب آهن - مهندسی و سایر صنایع سنگین) منتقل کند. اشتراکی کردن مزارع (۱۹۲۸-۳۸) به دولت امکان داد که

جدول ۱
سهم کشورها در تولیدات صنعتی جهانی
۱۹۱۳-۱۹۵۵

۱۹۵۵	۱۹۵۰	۱۹۳۷	۱۹۱۳	
۱۹/۰	۱۴/۴	۹/۲	۲/۶	شوروی (روسیه)
۳۹/۸	۴۴/۸	۳۷/۸	۳۸/۲	ایالات متحده
۸/۴	۹/۸	۱۱/۵	۱۲/۱	انگلستان
		(۱)	(۱)	
۷/۴	۵/۸	۸/۴	۱۵/۳	* آلمان غربی
۳/۳	۳/۴	۵/۵	۶/۶	فرانسه
۲۲/۱	۲۱/۸	۲۷/۶	۲۵/۲	بقیه

* (۱) کل آلمان

منبع:

1. Alec Nove, «1926/7 and All That» reprinted Franklin D. Holzman, Readings on the Soviet Economy, Chicago, Rand McNally & Co. 1962 p. 41

جدول ۲
ارقام رسمی درآمد ملی شوروی
۱۹۵۰-۱۹۲۸ به قیمت‌های سال ۱۹۲۶/۷
(میلیارد روبل)
و رشد سالانه واقعی تولید سرانه
۱۸۷۰-۱۹۸۶

(۲) نرخ رشد (درصد)	دوره	(۱)	
		مبلغ درآمد	سال
		۲۵/۰	۱۹۲۸
۱/۰	۱۸۷۰-۱۹۱۰	۴۵/۵	۱۹۳۲
۲/۰	۱۹۱۰-۱۹۵۰	۶۶/۵	۱۹۳۵
		۸۶/۰	۱۹۳۶
۲/۷	۱۹۵۰-۱۹۷۵	۹۶/۰	۱۹۳۷
۱/۹	۱۹۷۵-۱۹۸۶	۱۲۸/۳	۱۹۴۰
		۱۴۳/۰	۱۹۴۸
۱/۸	۱۸۶۰-۱۹۸۶	۲۱۰/۴	۱۹۵۰
۹۰۰	۱۹۸۶	سطح تولید ناخالص ملی سرانه بر پایه ۱۰۰ = ۱۸۶۰	

منبع:

۱- مانند جدول ۱

E. Wayne Nafziger, the Economics of Developing Countries, 2nd ed. Printice Hall, 1990. p. 47

سهم عمده‌ای از اختلاف قیمت خرید انحصاری محصولات از مزارع اشتراکی به قیمت‌های زیربازار (و گاه زیر هزینه تولید) و فروش آنها به قیمت‌های نزدیک به بازار در سطح جهانی را در اختیار بگیرد. نتیجه اجرای چنین سیاستی، ایجاد پس‌انداز اجباری برای کل جامعه شوروی به میزان بیش از ۲۰ درصد تولید ناخالص ملی در شصت سال گذشته، به استثنای سالهای جنگ (۱۹۳۹-۴۵) بوده است.

دوره اشتراکی کردن مزارع در سالهای ۳۳-۱۹۲۹، تصاحب محصولات کشاورزی مخصوصاً غلات به زور، ضبط املاک کشاورزی، توقیف و تبعید کولاک‌ها، نابود کردن قهری ابزارهای کار و گله‌ها، جنگ طبقاتی بین کشاورزان و کولاک‌ها، بی‌نظمی اداری، اختلال در امر کشت و برداشت و قحطی ناشی از همه این عوامل، سبب مرگ حدود ۵ میلیون نفر شد. تولید سرانه محصولات کشاورزی از ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۷، سال به سال سقوط کرد. پس از جنگ دوم جهانی، گرچه کشاورزی شوروی رشد داشت، ولی تولید محصولات غذایی بطور متوسط رضایت‌بخش نبود و تا سال سقوط در سطحی پایین‌تر از ایتالیا قرار می‌گرفت. (جدول ۳)

دومین برنامه پنجساله شوروی در سال ۱۹۳۳ بر پایه اهداف برنامه اول طراحی و به مورد اجرا گذاشته شد و بطوری که بعداً خواهیم دید، هدف صنعتی کردن شوروی مخصوصاً ایجاد صنایع سنگین و زیربنایی تا سال ۱۹۳۸ کلاً تحقق یافت.

حملة آلمان نازی به روسیه در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱ اجرای برنامه پنجساله سوم شوروی را بیش از پیش در جهت اهداف نظامی و دفاعی منحرف ساخت.

با پایان یافتن جنگ، برنامه پنجساله چهارم شوروی در ۱۸ مارس ۱۹۴۶ با هدفهای ترمیم خرابی‌های جنگ، ادامه توسعه صنعتی در سرزمین‌های مصون مانده از جنگ و نیز بهبود سطح زندگی مردم تدوین

گردید. استالین می‌خواست تا سال ۱۹۴۸ میزان تولید سال ۱۹۴۰ به دست آید و تا سال ۱۹۵۰ میزان تولیدات صنعتی ۵۰ درصد بیش از سال ۱۹۴۰ باشد. در این مدت محصولات کشاورزی می‌بایست ۲۵ درصد، و حمل و نقل ۳۳/۵ درصد از سطح سال ۱۹۴۰ بیشتر شود. از نظر سیاستهای صنعتی، تأکید همچنان بر گسترش صنایع سنگین، آهن، فولاد، سوخت و انرژی و ماشین ابزار بود. احداث راههای آهن، بالا بردن تولیدات کشاورزی و دامی از راه مکانیکی کردن و برقی کردن تولید و اجرای سیستمهای آبیاری تازه مورد توجه قرار گرفت. طبق برنامه قرار بود که سیستم جیره بندی کالاها قطع گردد و سطح قیمت کالاها مصرفی کاهش یابد و شرایط زندگی بهتر شود و برای مردم بیمارستانها، واحدهای مسکونی، سینماها و امکانات تفریحی بیشتری احداث گردد. البته دفاع از کشور و نیز ایجاد نیروی دریایی قوی همچنان از اولویت برخوردار بود.

برنامه از بین بردن جیره بندی و اصلاح پولی در ۱۶ دسامبر ۱۹۴۷ به مورد اجرا گذاشته شد و نهضتی برای بهبود کیفیت کالاها و سودآوری واحدها به راه افتاد. برخلاف هدفهای برنامه و وعدههای تبلیغاتی سال ۱۹۴۶، در دوره برنامه سرمایه‌گذاری بیشتری در صنایع سنگین انجام شد و با این کار استالین در سالهای ۱۹۴۷-۵۰ برنامه خود برای تجدید ساختار طبیعت (Stalin's Plan for Remaking of Nature) را به مورد اجرا گذاشت و تدریجاً وعدههای پس از جنگ خود را به فراموشی سپرد. استالین در اوت ۱۹۵۲ برنامه چهارم را پایان یافته دانست و خطوط برنامه پنجم را اعلام کرد.

با اجرای برنامه‌های ۵ ساله در دوره استالین، اتحاد جماهیر شوروی به یک قدرت صنعتی عمده تبدیل شد. در نتیجه در دوره ۱۹۲۸-۴۰ سهم صنعت در تولید خالص ملی (NNP) از ۲۸ درصد به ۴۵ درصد رسید و سهم آن از نیروی کار از ۱۸ درصد به ۲۹ درصد افزایش یافت. در مقابل، سهم کشاورزی

در همین مدت در تولید خالص ملی از ۴۹ درصد به ۲۹ درصد و اشتغال نیروی کار در کشاورزی از ۷۱ درصد به ۵۱ درصد تنزل یافت. چنین تحویلی در مورد تولیدات صنعتی در دنیای غرب و ژاپن، شصت تا هفتاد سال و در مورد انتقال نیروی کار در این کشورها سی تا پنجاه سال طول کشیده است. این تحول در شرایطی آغاز شد که در سال ۱۹۲۸ در حدود ۶۰ درصد مردم شوروی بی‌سواد، امید به زندگی ۴۰ سال، و فقر در آن کشور یک پدیده نسبتاً عمومی بود.

مرگ استالین در اوایل سال ۱۹۵۳ فرصتی بود که جانشینانش گناه تمام بدبختی‌های ملت روسیه را به گردن او بیندازند و بدون اعتراف به نقائص سیستم اقتصادی و سیاسی موجود، به مردم دائم زجر کشیده اتحاد جماهیر شوروی وعده داشتن همه چیز، گوشت و کره، جاروبرقی، یخچال، لوازم آشپزخانه، تلویزیون و رادیو، دوچرخه و اتومبیل... را در آینده بدهند. در پاییز ۱۹۵۳، دولت شوروی با صدور فرمانی دستور داد، توزیع داخلی کالاها مصرفی تا پایان سال ۱۹۵۴ هفتاد و دودصد افزایش یابد. برنامه پنجساله در حال اجرا کنار گذاشته شد (برای یکسال) و یک میلیارد دلار به طلا برای واردات غذا و کالاها مصرفی از خارج تخصیص یافت.

بریدن واقعی از عصر اختناق و ترور استالین در سال ۱۹۵۶ با سخنرانی مشهور نیکیتا خروشچف، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی در روزهای ۲۴ و ۲۵ فوریه، در بیستمین کنگره حزب کمونیست شوروی انجام گرفت. هدف خروشچف از حمله به استالین، طرد طرفداران و همکاران استالین از حزب کمونیست و مقامات دولتی شوروی و آغاز اصلاحات اقتصادی خود بود. به نظر خروشچف، برای رفع مشکلات اقتصادی روسیه، بخش صنعت و کشاورزی روسیه می‌بایست از کنترل مطلق دولت خارج و بطور غیر متمرکز اداره شود. در ۱۸ ژوئن ۱۹۵۸ دولت تحویل اجباری محصولات کشاورزی را که در واقع پرداخت اجاره و عوض استفاده

از ماشین آلات متعلق به ایستگاههای ماشین - تراکتور (MTS) به دولت بود، متوقف کرد. مزارع اشتراکی از آن پس خود می‌توانستند ماشین آلات را خریداری کنند و در نتیجه آزاد شدن تولیدات از قید تحویل اجباری به دولت، آنها را با قیمت‌های بالاتری به فروش رسانند. در ظرف یک سال، ۹۵ درصد از مزارع اشتراکی شوروی برای خرید ماشین آلات کشاورزی مورد نیاز خود اقدام کردند. اما دولت شوروی برای از دست نرفتن کنترل بر جامعه و اقتصاد، کمیسیون‌های کنترل حزبی را جانشین قدرت و مقامات ایستگاههای ماشین - تراکتور کرد.

خروشچف پس از دیدار سال ۱۹۵۹ خود از ایالات متحده، نهضت تولید ذرت برای تغذیه دام را در اوکراین به راه انداخت و در مقابل، زمینهای سیبری را برای کشت گندم آزاد ساخت تا شاید تولید گوشت و شیر و سایر محصولات دامی مانند ایالات متحده افزایش یابد؛ در حالی که بازده کار کارگر کشاورزی شوروی در این سالها تقریباً یک دهم کارگر آمریکائی بود. (جدول ۳ - ستون یک) برنامه ۷ ساله ۱۹۶۵-۱۹۵۹ شوروی خواستار ۸۰ درصد افزایش تولید محصولات کشاورزی در مقایسه با تولید سال ۱۹۵۸ شد. این هدفهای برنامه‌ریزی شده باز هم تحقق نیافت و در سال ۱۹۶۳ دولت شوروی مجبور شد قراردادهای درازمدت خرید ۱۰ میلیون تن غله از خارج را امضاء کند. در دسامبر ۱۹۶۳ یک برنامه هفت ساله برای افزایش تولید کود شیمیایی تهیه شد و هدف آن دو برابر کردن تولیدات کشاورزی تا سال ۱۹۷۰ با مصرف هر چه بیشتر کود شیمیایی بود. خروشچف معتقد بود تولید انبوه محصولات کشاورزی در آمریکا حاصل نبوغ کشاورزان آمریکایی نیست بلکه دلیل آن این است که کشاورزان آمریکایی برای هر هکتار، چهار برابر روسها کود مصرف می‌کنند.

در زمینه صنعت نیز خروشچف در سالهای ۱۹۵۷-۵۸ نسبت به اجرای برنامه‌های متمرکززدائی در صنعت و بهبود وضع کارگران صنعتی اقدام کرد. تعداد ساعات کار در معادن

جدول ۳

شاخص تولیدات واقعی يك كارگر كشاورزی، جهان و مناطق مختلف ۱۹۶۶-۱۹۶۴ تا ۱۹۸۶-۸۸
(۱۰۰ = ۱۹۷۹-۸۱ جهان)

منطقه - سال	۱۹۶۶-۶۶	۱۹۶۹-۷۱	۱۹۷۴-۷۶	۱۹۷۹-۸۱	۱۹۸۴-۸۶	۱۹۸۶-۸۸
جهان	۸۲	۹۰	۹۵	۱۰۰	۱۰۷	۱۰۷
تمام کشورهای درحال توسعه	۴۰	۴۳	۴۶	۵۰	۵۵	۵۶
کشورهای سرمایه‌داری توسعه یافته	۵۵۳	۷۳۳	۹۱۷	۱۲۳۱	۱۵۳۲	۱۶۱۱
آمریکای شمالی	۲۲۶۸	۲۸۷۳	۳۱۱۵	۳۶۱۷	۴۳۳۲	۴۴۲۹
اروپای غربی	۴۳۵	۵۹۳	۷۴۲	۹۶۸	۱۲۳۳	۱۳۱۸
شوروی و اروپای شرقی	۲۲۰	۳۰۶	۳۷۱	۴۱۹	۵۴۱	۶۰۰
خاورمیانه	۷۸	۸۸	۱۰۲	۱۱۴	۱۲۸	۲۸۶

منبع:

J. Ay, «Agricultural Output Per Agricultural Worker» Rome, FAO. June 1989.

برنامه‌ریزی اقتصادی صنعتی برای همه کشورهای اروپای شرقی برآید و بکوشد نوعی تخصص و تقسیم کار صنعتی در اعمار خود در اروپای شرقی ایجاد کند که البته قسمت اعظم سرمایه و مواد اولیه آن می‌بایست توسط دولت شوروی تأمین گردد. این سیاست‌ها با مخالفت مردم کشورهای اروپای شرقی روبرو گردید و از جمله رومانی در سال ۱۹۶۴ قرارداد تجاری دوجانبه‌ای با ایالات متحده امضاء کرد و در صدد پیوستن به قرارداد عمومی تعرفه و تجارت (گات) برای مرتبط کردن اقتصاد خود به اقتصاد جهانی برآمد.

گرچه اقدامات اصلاحی خروشچف در زمینه کشاورزی و صنعتی موفقیت چندانی نداشت ولی باید اذعان کرد که گذشته از صنایع وابسته به نفت و گاز (پتروشیمی) و اجرای پروژه‌های هیدروالکتريك (براتسک) و کارخانه‌های آلومینیوم، دولت شوروی در این دوران برای پیشرفت علوم فنی (در مقابل علوم اجتماعی) و فیزیکی منابع زیادی به مصرف رساند. از جمله، ایجاد شهرهای علوم و

ادامه در صفحه ۲۲۸

صنعتی شدن، تنها در سایه کشف منابع جدید نفت و گاز ممکن گردید. تا سال ۱۹۶۴، منابع غنی نفتی ولگا-اورال بعد از باکو، چهارپنجم نفت شوروی را تولید می‌کرد. کشف عظیم‌ترین ذخیره گاز دنیا در بخارا در آسیای مرکزی غیر از منابع موجود در اوکراین و منطقه ولگا و قفقاز تولید گاز را در شوروی در طی دهه ۶۵-۱۹۵۵ ده برابر کرد. يك خط لوله نفتی ۲۵۰۰ کیلومتری به نام دروزبا (دوستی) نفت منطقه ولگا را تا آلمان شرقی انتقال داد و نفت کالای صادراتی درجه اول و عمده شوروی شد. برخلاف حرف و وعده‌های داده شده، در زمان خروشچف نیز سیاست تأکید بر توسعه صنعتی و تکنولوژیک ادامه یافت و در نتیجه این سیاست، جمعیت شهرهای شوروی از ۸۰ میلیون نفر در سال ۱۹۵۳ (۲۶ میلیون در سال ۱۹۲۶) به ۱۱۷ میلیون نفر در سال ۱۹۶۴ افزایش یافت (در مقابل ۱۰۸ میلیون نفر جمعیت روستایی).

ایجاد بازار مشترك اروپا (۱۹۵۸) طبق عهدنامه رم، خروشچف را واداشت که با کمک حربه نفت و تحت لوای شورای همکاریهای متقابل اقتصادی (COMECON) در صدد

به شش ساعت و در صنایع سنگین به ۷ ساعت تقلیل داده شد. در سال ۱۹۶۰، هفت ساعت کار در روز به کلیه صنایع و ادارات تسری داده شد و دستمزدها افزایش یافت. در برنامه هفت ساله، افزایش تولیدات صنعتی مورد تأکید بیشتر قرار گرفت و مقرر گردید تا سال ۱۹۶۵ میزان تولید به حدی برسد که قبلاً برای سال ۱۹۷۲ منظور شده بود. خروشچف ادعا کرد که تا سال ۱۹۷۰ شوروی در بسیاری از رشته‌ها از ایالات متحده پیشی خواهد گرفت. همه برنامه‌های خروشچف برای کشاورزی و صنعت در ظاهر برای تسریع انتقال از سوسیالیزم به کمونیزم طراحی شده بود، ولی در باطن دولت شوروی می‌خواست با استفاده از ابزارهای سرمایه‌داری از ایالات متحده پیشی گیرد. خروشچف در سخنرانی اول آوریل ۱۹۶۴ خود در بوداپست بر ضرورت داشتن زندگی بهتر تأکید کرد و گفت «موضوع مهم این است که ما همه باید برای

خوردن، بیشتر داشته باشیم - گولاش خوب، مدرسه، خانه و باله. این چیزها چقدر به گشایش زندگی انسان کمک می‌کند؟ ارزش دارد که برای این چیزها بجنگیم و کار کنیم.»^۱ وقتی در سال ۱۹۶۲ روشن شد که عدم تمرکز صنعت و کشاورزی نتایج مطلوب به بار نیاورده است، خروشچف دوباره به کنترل مرکزی متوسل گردید. در نوامبر ۱۹۶۲ کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی دو سیستم اداری مستقل برای کشاورزان و صنعت ایجاد کرد. در مارس ۱۹۶۳ دولت برنامه هفت ساله را یکسره کنار گذاشت و در عوض، يك برنامه دو ساله تدوین کرد که منعکس کننده تغییرات عمده در سیاست اقتصادی و تکنولوژی بود.

توسعه صنعتی و تکنولوژیک با هدفای خاص - دیگر اقدامات خروشچف

توسعه صنعت نفت و گاز شوروی از زمان جنگ جهانی دوم به بعد، در عوض شدن تکنولوژی صنعتی و کاهش هزینه تولید نقش حیاتی داشته است. ایجاد صنایع جدید مخصوصاً صنایع پتروشیمی و تسریع روند

امنیت آسیای ...

و آسیای مرکزی نیز از موهبت ثبات برخوردار باشد. در این حالت، احتمال جان گرفتن امپریالیسم نوپای روسیه هیچ است زیرا دموکرات‌های روسیه به خوبی به هزینه‌های داخلی و خارجی آن واقفند. در سناریوی دوم که تا حدودی آمیخته به خطر است، فرض بر آن است که در پی بی‌ثباتی سیاسی و شکست اقتصادی حکام فعلی روسیه، ملت‌گرایان دواآتسه و قدرتمدار در این کشور روی کار آیند ولی در آسیای مرکزی ثبات برقرار باشد. در این حال، گرچه نمی‌توان منکر احتمال اتخاذ سیاست‌های نوامپریالیستی از سوی حکام روسیه شد ولی حاکم بودن آرامش در کشورهای پیرامون و

پانگرفتن ملت‌گرایی دواآتسه در این کشورها آن را بسیار بعید می‌سازد. سناریوی سوم نیز بر این فرض پایه می‌گیرد که اصلاح‌طلبان دموکرات همچنان بر روسیه حکم رانند ولی آسیای مرکزی دستخوش بی‌ثباتی گردد. در این حال احتمال جان گرفتن امپریالیسم تازه روسیه بیش از دو سناریوی پیشین خواهد بود زیرا بی‌ثباتی آسیای مرکزی زمینه را برای مداخله روس‌ها فراهم خواهد ساخت. گرچه در این حال، دموکرات‌های روسیه همچنان از هزینه‌های مداخله آگاهند ولی بی‌ثباتی سیاسی کشورهای پیرامون، به فشارهای داخلی برای مداخله در این منطقه نفوذ سنتی روس‌ها و دفاع از اقوام روس و منافع دولت روسیه دامن می‌زند. سرانجام، مطابق سناریوی آخر که خطرناکترین سناریو نیز هست ملت‌گرایی دواآتسه در روسیه و کشورهای پیرامون آن بالا

خواهد گرفت. اصلاح‌طلبان دموکرات حاکم بر روسیه به دلیل ناتوانی از غلبه بر بی‌ثباتی سیاسی و اوضاع وخیم اقتصادی جای خود را به ملت‌گرایان قدرتمدار خواهند داد و با توجه به کم‌اهمیت بودن واکنش غرب برای حکام جدید و ضعف محدودیت‌های دموکراتیک نهادینه در این حالت، احتمال اتخاذ سیاست‌های امپریالیستی تازه از جانب این کشور فوق‌العاده بالا می‌رود. همچنین در این سناریو، احتمالاً در برخی کشورها همچون قزاقستان که ۳۸ درصد مردم آن روس و در نواحی شمالی این کشور متمرکزند حرکت‌های جدایی‌طلبانه پا می‌گیرد و همین احتمال بروز برخورد میان روسیه و این کشورها را به شدت بالا می‌برد.

• Rajan Menon استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه Lehigh

بقیه از صفحه ۱۸۳

آکادمی‌های علوم مورد تشویق قرار گرفت. عامل اصلی توجه به علوم، کسب برتری در تکنولوژی نظامی در رقابت با ایالات متحده بود. دولت شوروی در اوت ۱۹۵۷ پیش از فرستادن اسپوتنیک (Sputniks) به فضا، اعلام کرد دارای موشک قاره‌پیمای بالستیک (ICBM) با قدرت حرکت ۱۳۰۰۰ مایل در ساعت و برد ۵۰۰۰ مایل است. در ۴ اکتبر ۱۹۵۷ دولت شوروی یک قمر مصنوعی ۱۸۴ پوندی را با سرعت ۱۸۰۰۰ مایل در ارتفاع ۵۶۰ مایلی در مدار زمین قرار داد و در ۳ نوامبر همان سال یک راکت ۱۱۲۹ پوندی شوروی، همراه یک سگ به نام لایکا (Laika) در ارتفاع ۱۰۵۶ مایلی به دور کره زمین به گردش پرداخت. دور زدن کره ماه و اصابت راکت به کره ماه در سال ۱۹۵۹ انجام شد و بالاخره در ۱۲ آوریل ۱۹۶۱ یوری گاگارین (Yuri Gagarin) نخستین فضانورد مرد و در ژوئن سال ۱۹۶۳ والتینا ترشکوا (Valentina Tereshkova) نخستین فضانورد زن از روسیه به فضا فرستاده شدند.

دولت شوروی در زمینه استفاده صلح‌آمیز از نیروی اتم نیز گام‌های بلندی برداشت. در

سپتامبر ۱۹۵۸ هیئت نمایندگی شوروی در ژنو اعلام کرد که دولت شوروی نخستین نیروگاه اتمی با ظرفیت یک میلیون کیلووات برق را در سبیریه احداث کرده است و این، آغاز صرف منابع عظیم جامعه در این زمینه بود. دوران خروشچف ناگهان در ۱۶ اکتبر ۱۹۶۴ با اعلامیه اجلاس کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی به پایان رسید که در آن قید گردیده بود: «خروشچف ۷۰ ساله بنا به درخواست خود به دلیل سلامتی از کلیه وظایفش معاف گردیده است».

زیرنویس‌ها:

1. League of Nations, Industrialization and Foreign Trade, Geneva, 1945 p. 13.
۲. برنامه حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی که برای ارائه در بیست‌ودومین کنگره حزب در اکتبر ۱۹۶۱ تهیه شده بود افکار خروشچف و آینده مورد نظر او را منعکس می‌کرد. رجوع شود به:
- Program of the Communist Party of the Soviet Union, Crosscurrents Press, New York, 1961.
- مخصوصاً صفحات ۸۵-۹۱.
۳. منبع شماره ۲، جدول ۲ قبلی و جدول ۲-۱ صفحه ۱۷ از همان منبع.
۴. شصت و چهار سال بعد، حزب توده ایران

همین اهداف را با تغییرات جزئی در برنامه خود تحت عنوان «برنامه حزب توده ایران برای تثبیت و تحکیم و گسترش همه‌جانبه انقلاب و ضدامپریالیستی و مردمی ایران» اعلام کرد. دولتی کردن تجارت خارجی، دولتی کردن بانکها، ملی کردن صنایع سنگین و کلیدی، رشد بی‌وقفه بخش دولتی، محدود کردن فعالیت سرمایه‌داری بخش خصوصی از جمله این اهداف بود:

رجوع شود به: مجله دنیا، شماره ۱-۱۳۶۰، صفحات ۷۱-۵۰.

۵. منبع شماره ۲، جدول ۲، صفحه ۹۱ نقل شده از:

Paul A. Baran «On the Political Economy of Backwardness», Manchester School, 20 (January 1952): p. 84.

۶. روزنامه‌های ایزوستیا و پراودا، ۲۵ اکتبر ۱۹۵۳.

۷. خروشچف در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۵۳ از سوی کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی (CPSU) بعنوان دبیر اول کمیته مرکزی انتخاب شد و دو نتیجه نه تنها مقامش تثبیت گردید، بلکه راه در دست گرفتن قدرت او نیز هموار شد. خروشچف در ۲۷ مارس ۱۹۵۸ به ریاست شورای وزیران (نخست‌وزیری) رسید و دولت و حزب را تحت کنترل درآورد.

8. Ivar Spector, An Introduction to Russian History and Culture, New York, D. Van Nostrand Co. Inc., 1965, p. 439.